

THANOS



#2

LEMIRE
DEODATO
MARTIN

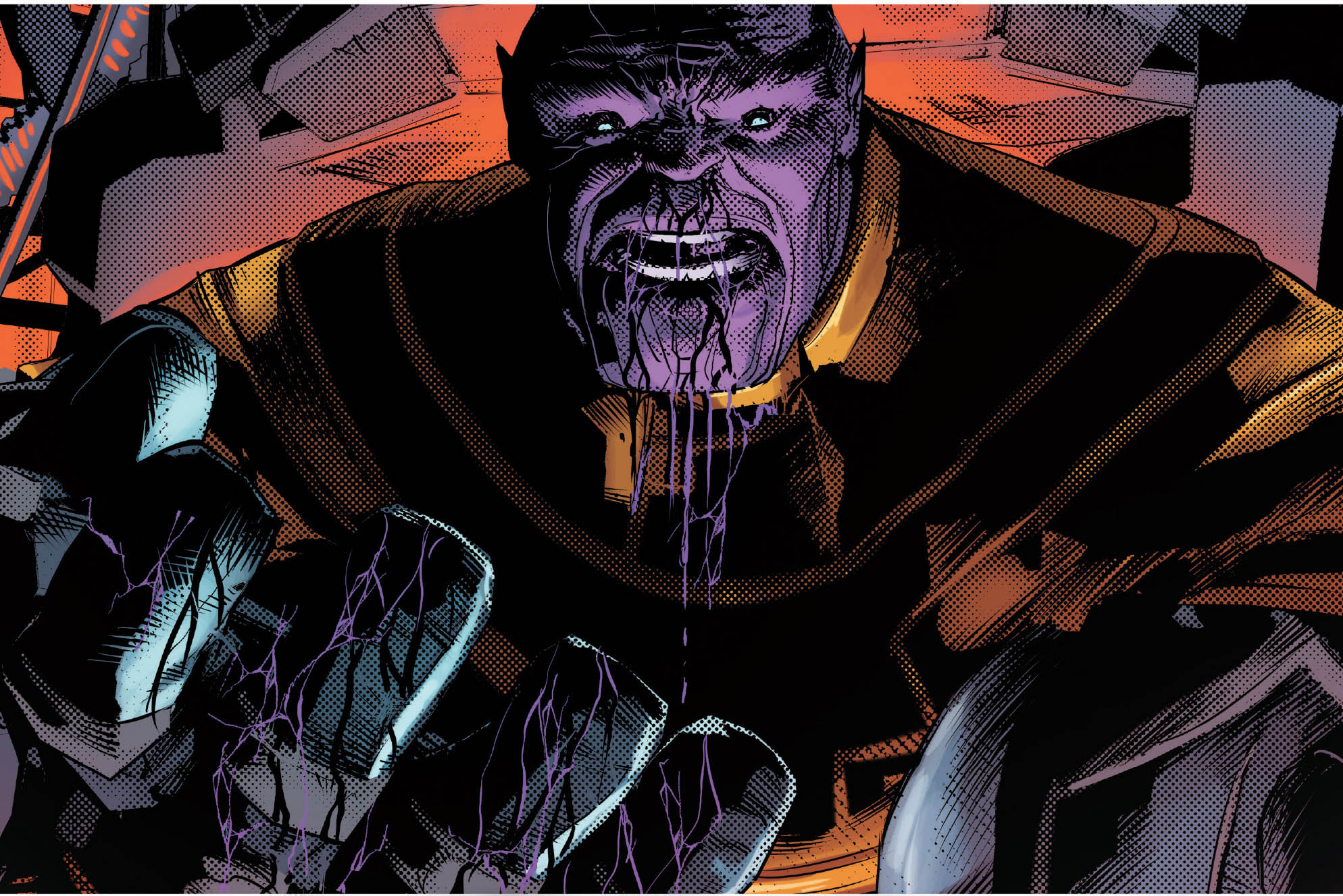
MARVEL

دورنامه
dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

قدرت مطلق به دلمشغولی او تبدیل شده است-او قصد کنترل نیروهای جهان هستی را دارد.
او تایتان دیوانه است. او ثانوس است.

THANOS



پس از کشتن کوروس گلیو که قدرت را به شکلی نامشروع تصاحب کرده بود، ثانوس خود را به عنوان حکمران برحق بلک کوادرنٹ معرفی کرد. و آنهایی که حکمرانی می کنند باید با ناراضیان هم برخورد کنند- پسر ثانوس که نزد ثانوس ناشناخته است و یکی از قربانیان ظلم ثانوس بود، بنام تین گروهی قدرتمند را دور هم جمع کرده که تنها یک هدف در سر دارند: کشتن ثانوس. آنها اولین افرادی نیستند که این هدف را دنبال می کنند. ولی شاید آخرین افراد باشند. تنها تین و همراه اسرارآمیزش از نزدیکی مرگ ثانوس خبر دارند.

JEFF LEMIRE
writer

MIKE DEODATO
artist

FRANK MARTIN
color artist

VC's CLAYTON COWLES
letterer

MIKE DEODATO & FRANK MARTIN
cover artists

DUSTIN NGUYEN
variant cover artist

KATHLEEN WISNESKI
assistant editor

DARREN SHAN
associate editor

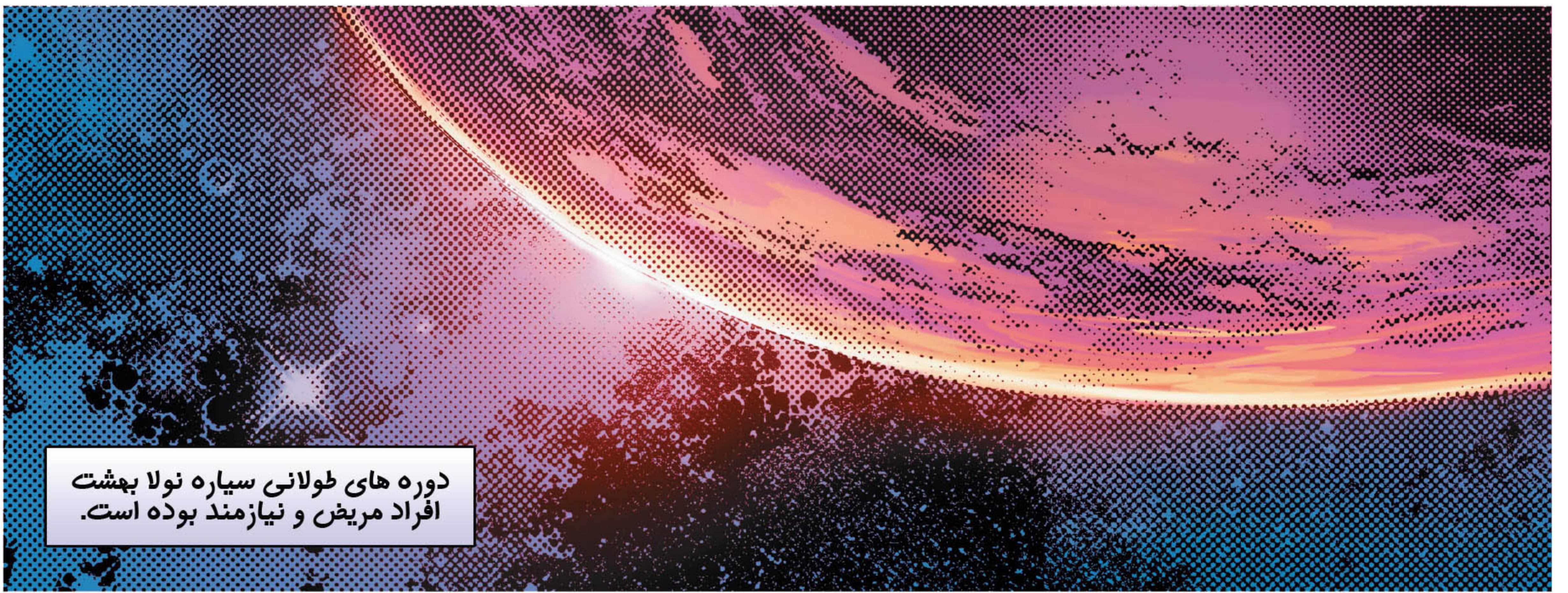
JORDAN D. WHITE
editor

AXEL ALONSO
editor in chief

JOE QUESADA
chief creative officer

DAN BUCKLEY
publisher

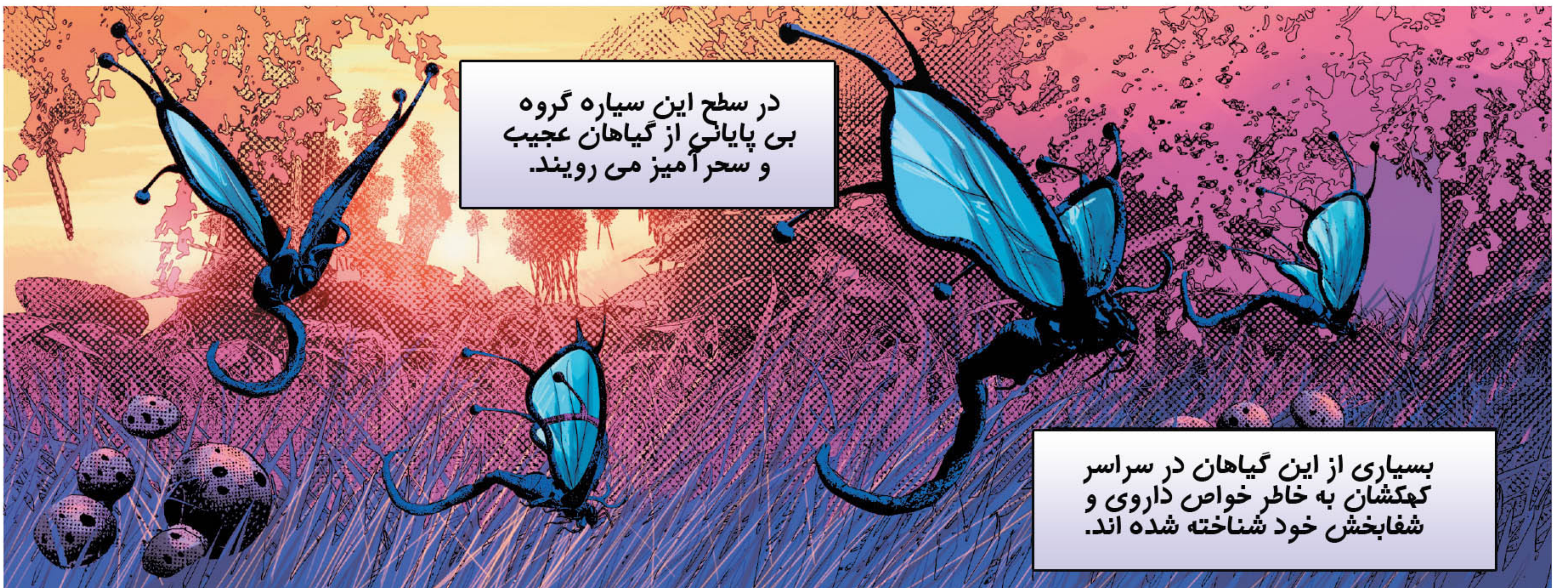
ALAN FINE
exec. producer



دوره های طولانی سیاره نولا باعث افراد مریض و نیازمند بوده است.



این سیاره که در منظومه سنترون قرار دارد هرگز روی جنگ و ناآرامی به خود ندیده است.



در سطح این سیاره گروه بی پایانی از گیاهان عجیب و سحرآمیز می رویند.

بسیاری از این گیاهان در سراسر کهکشان به خاطر خواص دارویی و شفابخش خود شناخته شده اند.



این محل واقعاً بی بدیل است. آرام و جادویی.

گونه های گیاهی از سراسر جهان هستی در اینجا رویداده اند تا مجموعه ای شفابخش از گیاهان دارویی را در خاک حاصلخیز نولا پپرورانند.

ساکنان نولان خود نیز مانند سیاره شان زیبا هستند. آنها نژادی هستند پاک مانند راهپه ها. آنها مهربان و بخشنده اند. آنها ذاتا درمانگر هستند و زندگی آنها وقف به کم دیگران می شود.

تکنولوژی و صنعت نتوانسته بر مناظر زیبای نولا تأثیر گذارد. در آسمان زیبای آن اثری از آلودگی نیست. اهالی نولان در هماهنگی مطلق با طبیعت زندگی می کنند.

روستاهای آنها ده ها هزار سال قدمت دارند. ارگی از یادگیری و درمان. این محل مرکز تمام دانش آنهاست.

در این محل افراد مسن دانش و روش های درمانی خود را به جوان ترها منتقل می کنند. بمدت هزاران سال این روش آنها بوده است.

و وقتی مسن ترها خسته و ضعیف می شوند، جوانترها از آنها مراقبت می کنند تا برای حیات بعد مهیا شوند. گفته می شود روح آنها جذب خاک می شود تا روزی دوباره متولد شود.

دورنام
dorrnaame.ir

در اصل در تمام جهان هستی جایی به آرامش و زیبایی سیاره نولا یافت نمی شود.

و بعد...

...ثانوس.

و ثانوس ناراضی
است.



در همین زمان در آنسوی کهکشان دیداری غیرمنتظره در حال شکل گیری است.

مرگ ثانوس نزدیک است و حتی اهالی نولان و صدها سال دانش آنها نمی تواند کمکی به او بکند.



وک، من دارم علائم هشداردهنده ای از سفینه ای که سرعت به ما نزدیک می شه دریافت می کنم!

اون کشتی متعلق به دزدهاست! ما نمی توانیم بذاریم بار ما دزدیده بشه. مجموعه دار سر ما رو می بره!

این سفینه یه سفینه دزدان معمولی نیست...



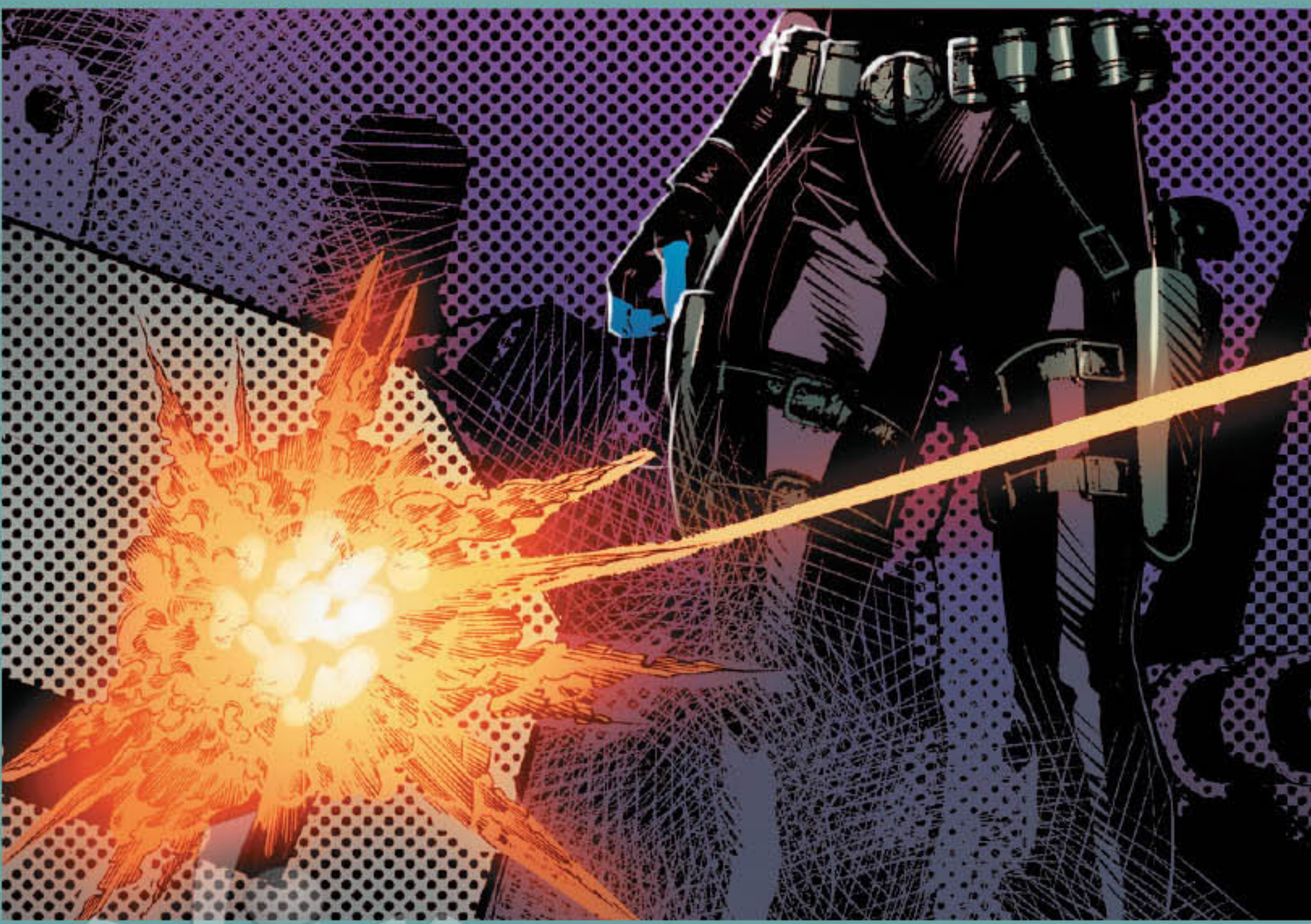
...نیپولاست! آتش!

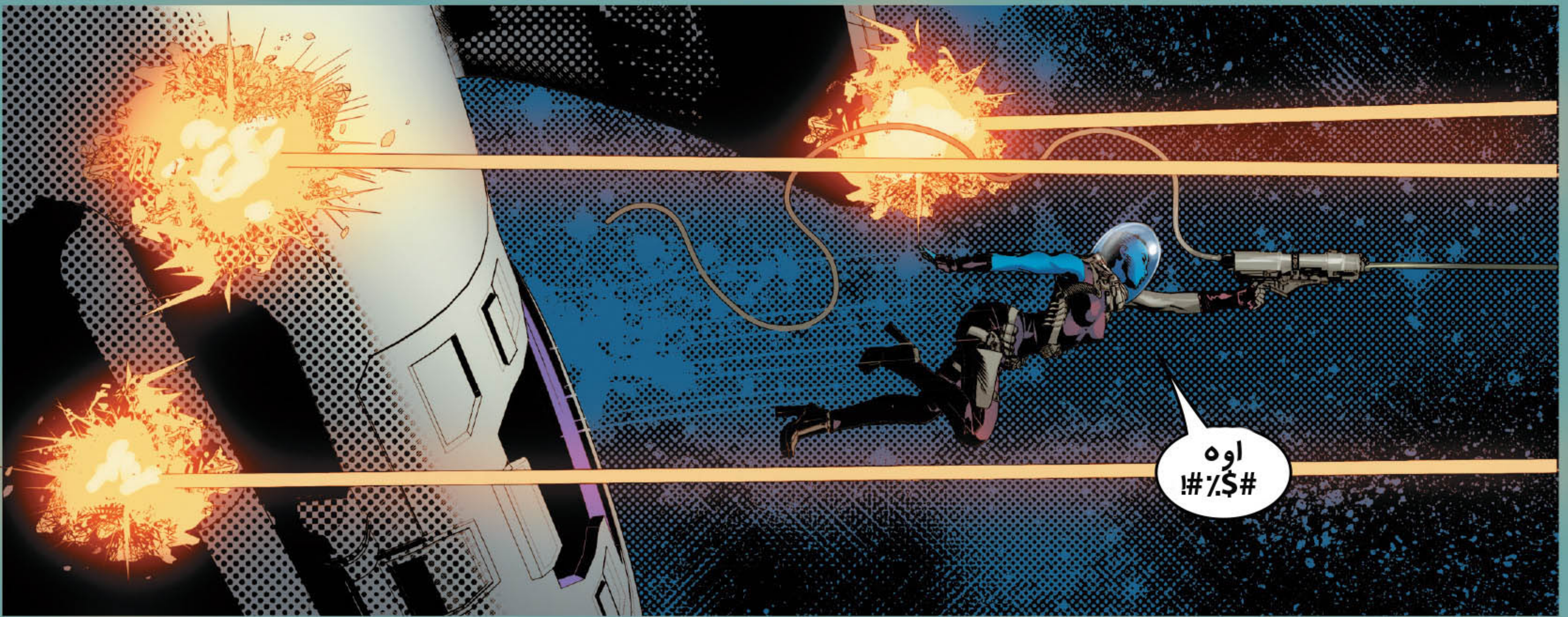


افراد کشتی گوش کنید، از تون می خوام همین سرعت رو حفظ کنید. متوجه شدید؟

اطاعت می شه کاپیتان نیپولا.

اینو تو حراجی یه پیرمرد خریدم. بهتره کار کنه و گرنه تا هر جا که لازم باشه تعقیبش می کنم و به زندگی فلاکت بارش پایان می دم.





اوه
!#%\$#



دارم وارد
سفینه می شم.
این موقعیت
رو حفظ کن!

من برای فراموشی
برنامه ریزی نشدم.



یادم بنداز تا طوری برنامه ریزیت کنم
که ده درصد از زرنک بازیت کم بشه. من
می دونستم که نباید به خدمه شلیک کنم و
از خلبان اتوماتیک استفاده کنم.

SHRACK



UNGH!



دارم حفره رو می بندم.
این پوتین ها فقط به طرفه
کار کردند. برای برگشت باید
راه سخت رو امنحان کنم.

BLEEP

دیوونه شدی
نبیولا؟! مجموعه دار ما
رو استخدام کرده! اگه کالای
اونو بدزدی زنده زنده
پوستمونو می کنه.

SHOOM

SHRACK

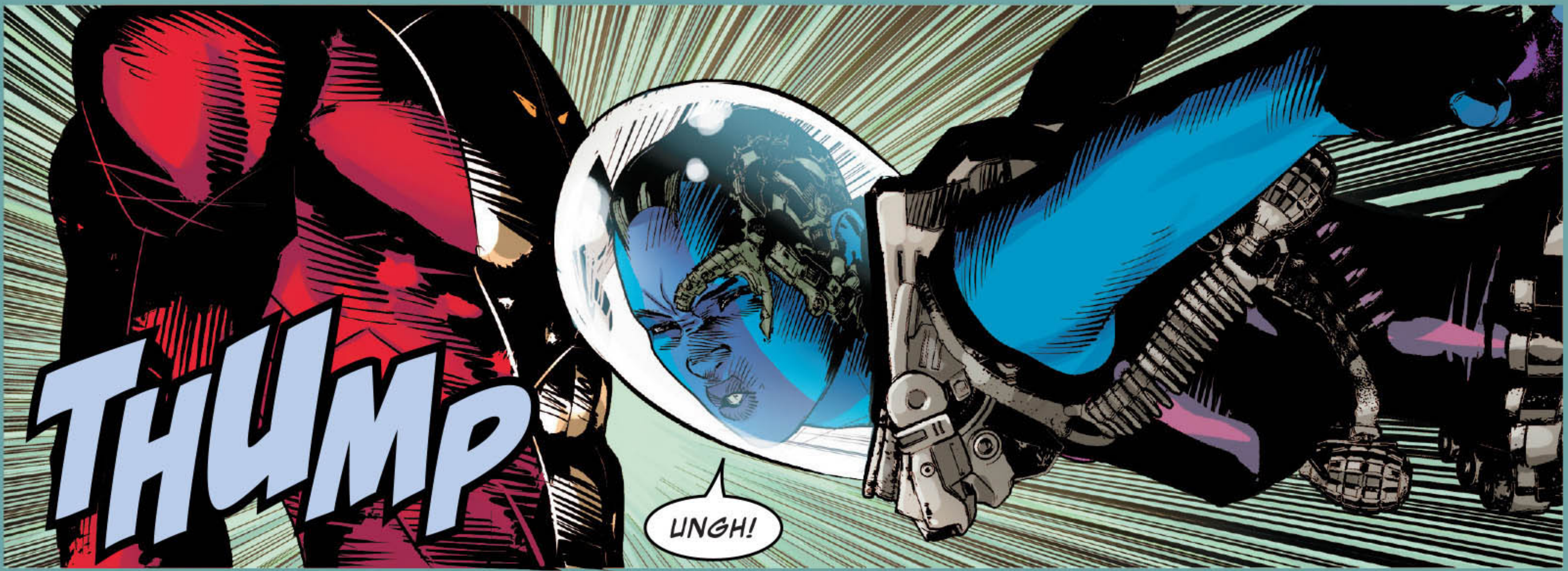
دقیقا می دونم
کی شما دوتا احمق
رو استخدام کرده.
پیشنهاد کمتر از
من برای کار
دادید.

به همین دلیل
مجموعه دار دو برابر
مبلغ اولیه رو به من پرداخت
می کنه اگه اینو
براش ببرم.

این سفینه
دارای شبکه امنیتی
پیچیده ایه. اگه اینو بدون
کد ازش جدا کنم، سفینه
خودشو نابود
می کنه.

اون دو تا
رو باید شکنجه می کردم
تا کد رو بگن.

خوب. تجربه
الکی بدست نمیداد
که! بیا پیش
مامان.



مشکل چیه
استادا؟ از دیدن من
خوشحال نشدی؟

خوشحال؟

خیلی چیزها هست
که می تونم بهشون
متهمت کنم پیرمرد. ولی
ترسو بودن یکی از
اونها نیست.

تفغف..

چیزی که
اونجا ساختی
فوق العاده است.

می دونی، من
و تو زیاد با هم فرق نداریم
پدر. من هم یک روز فکر می کردم
دانشمندای می شم مثل
تو، ولی...

ولی در عوض انتخاب کردی
که یه هیولا بشی.
چی می خواهی ثانوس؟
چرا اومدی اینجا؟ این آدمها
دانشمند هستند. حتی آدمی
مثل تو دلیلی برای
کشتار اونها نداره.

خودت گفتی...
من یه هیولام، نیاز به
دلیل ندارم.

نه، اونها
برام مهم نیستند استاد.
با خودت کار دارم. اومدم اینجا
چون مشکلی هست... در اعماق وجودم
و من باید بفهمم
اون چیه.

مریض
شدی؟ تو؟

آره. غیرممکنه
حتی الان فکر می کنم
که دارم ضعیف تر می شم.
و حتی خودم هم
نمی دونم چی بیمارم
کرده استاد.

من با
دانشش غریبه نیستم.
ولی اینجا باید اقرار کنم
که تو در این یک
زمینه استاد
منی.

هااا پس به
کمک من نیاز داری؟!
اگه فکر می کنی که من بهتر
کمک می کنم ثانوس، واقعا
تایتان دیوانه هستن. تو
همسر منو کشتی
مادر خودت رو!

تو تایتان و هر چی توش
بود نابود کردی. تو دنیاهاپی رو
نابود کردی! و این وحشت ها تازه
شروع کار تو بودند! خون میلیون ها
موجود دیگه روح تو رو آلوده کرده. با کمال
میل شاهد مرگت خواهیم بود... پسر.

پس من تنها
کسی نخواهم بود که شاهد
مرگش خواهی بود. بذار بکم خارج از
این آزمایشگاه چه اتفاقی
داره می افته...

"همه افراد این مجموعه دارند فرار
می کنند. ولی اونها خیلی زود متوجه
می شن که افراد من تمام سینه های
این قمر رو غیرفعال کردند."

"همین الان اونها به این نتیجه
رسیدن که راه فراری وجود نداره."

پس کاری که
ازت خواستم می کنی.
بهم کمک می کنی. وگرنه
تمامی دانشمندان این قمر
و همه افراد خانواده هاشون
قتل عام می شن...

...و تو
رو زنده می دارم تا
بین اجساد اونها
اواره بمونی.

کلمات ثانوس تهدید صرف نیستند. دلیلی هست که او را خاتمه دهنده حیات می نامند. فقط کافایت به وضعیت فعلی قمر تایتان نگاه کنید که زمانی شهر بالنده اترنال ها بود.

تو اون جعبه کوچکی که دزدیدی چی بود نبولا؟

مطمئنم به درد تو نمی خوره.

ثانوس خود نام خونین خود را در سطح تایتان نگاشت و الان تایتان چیزی نیست جز یک ویرانه.

شاید بخوره. به همین دلیل ازت پرسیدم عزیزم. می دونی اون چپیی که دور گردنت انداختی خیلی زشته. اصلا به دردت هم نمی خوره.

همه ما انقدرها نگران ظاهر مون نیستیم که تو هستی. هر روز صبح چقدر طول می کشه تا موها تو اینطوری تیغ تیغی کنی استار فاکس؟

می شه هر دو تون خفه شید. داریم می رسم.

کجا؟ باورم نمی شه گذاشته باشم شما دو تا منو به یه قبر ستون بیارید.

ارزششو داره نبیولا. به من اعتماد کن.

تین. فکر نمی کنم هنوز افتخارشو داشته باشیم برادرزاده.

خیلی وقته که منتظر این ملاقات هستم اروس. لفا بشینید. خیلی چیزها هست که باید در موردش حرف زده بشه.



من می ایستم.

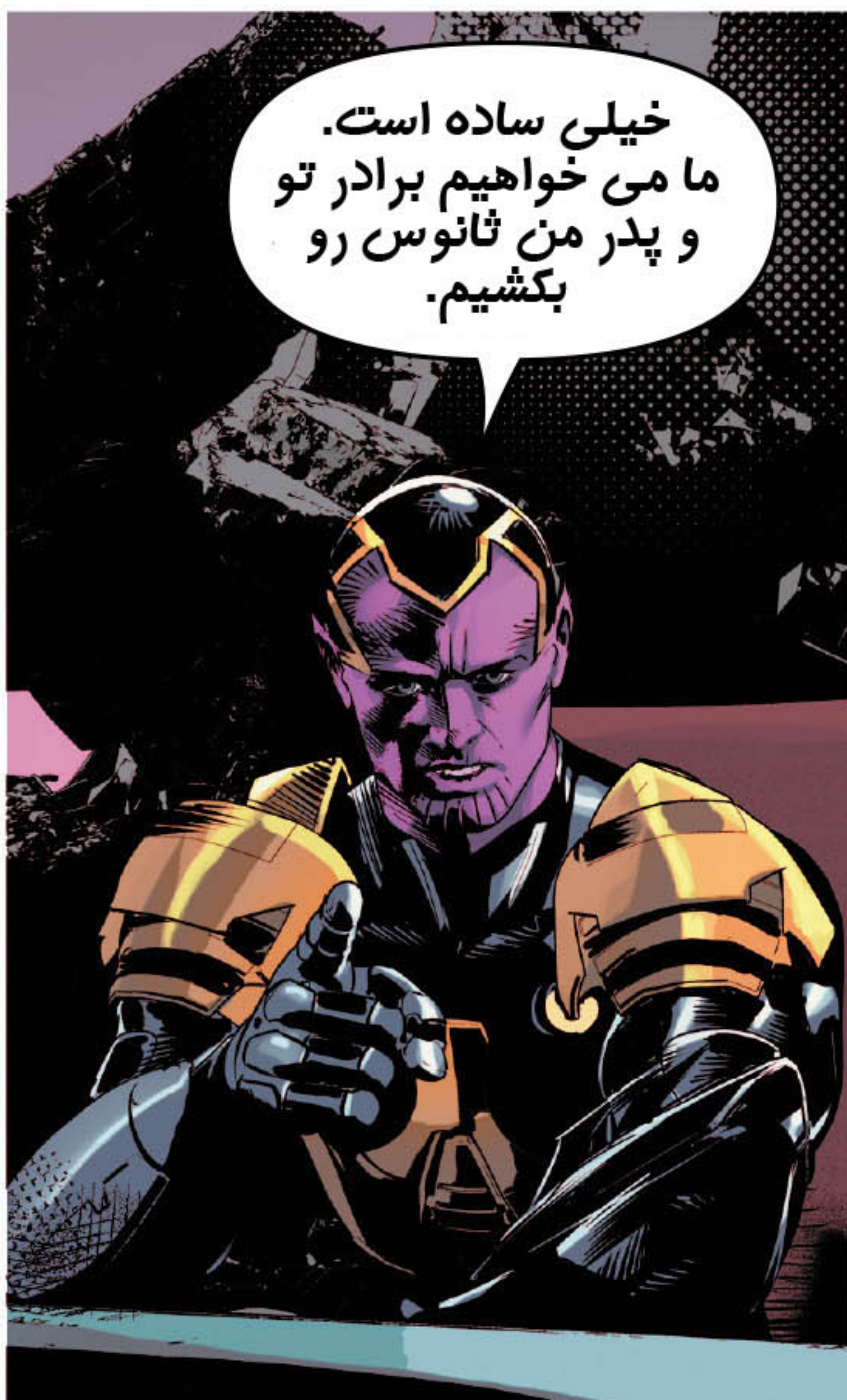
البته که می ایسته. خدای نکرده کاری نکنی که ضد عادت نباشه!

من خیلی از این مهمان نوازیت خوشحالم برادرزاده.

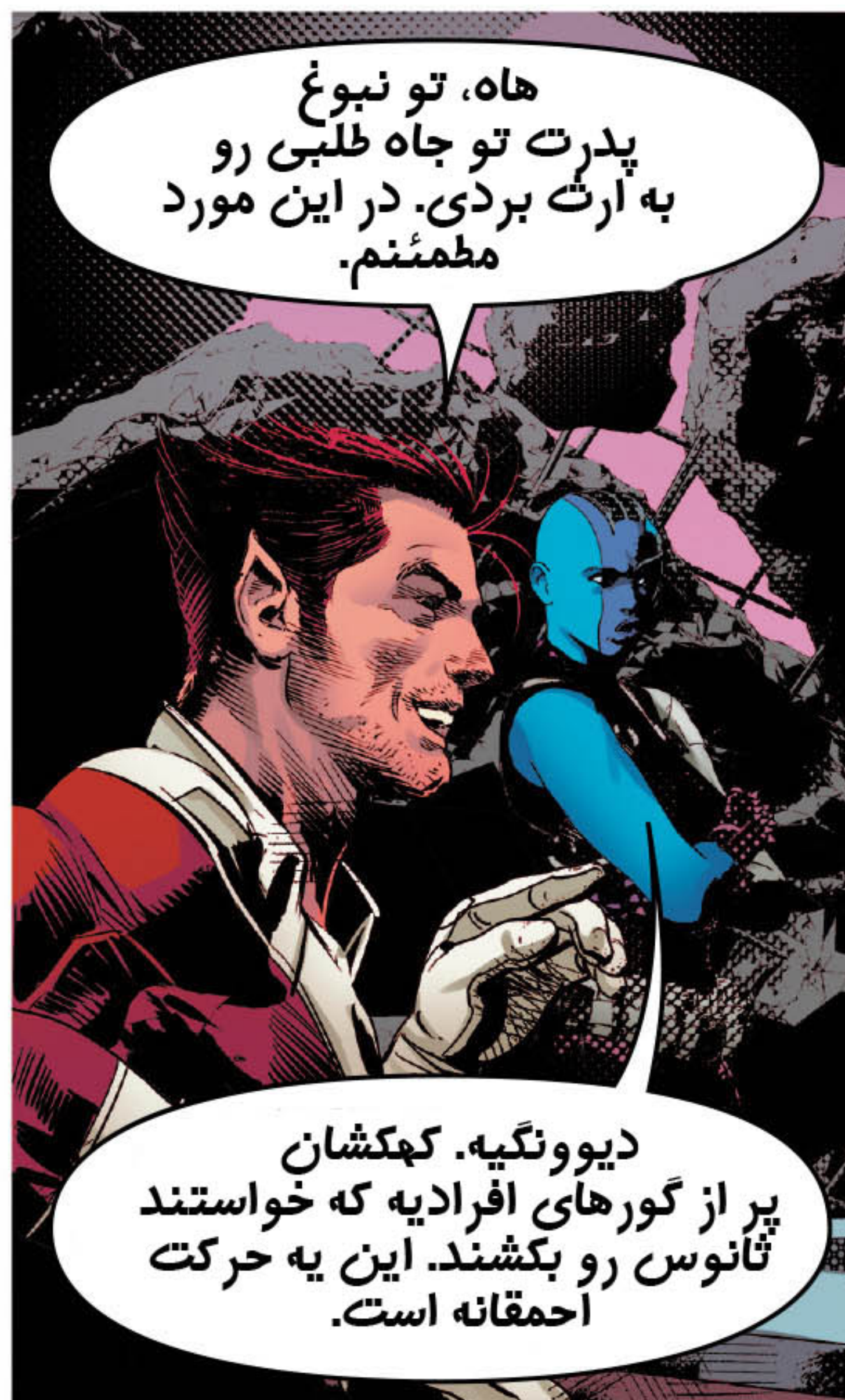


من خیلی در مورد شما شنیدم. البته نور چشم پدرت نیستی. اگر چه فکر کنم این رو به عنوان تعریف قبول کنی.

پس بگو ببینیم چرا ما رو به تایتان آوردی؟



خیلی ساده است. ما می خواهیم برادر تو و پدر من ثانوس رو بکشیم.



هاه، تو نبوغ پدرت تو جاه طلبی رو به ارت بردی. در این مورد مطمئنم.

دیوونگیه. کهکشان پر از گورهای افرادی که خواستند ثانوس رو بکشند. این به حرکت احمقانه است.



خفه شید و به پیزهایی که می گه گوش کنید! مسائل تغییر کردند. ثانوس ضعیف شده.



حق با تریکوئه. باور کردنی نیست ولی من متوجه شدم که پدرم داره می میره... و هر روز ضعیف تر می شه. حتی همین الان داره کل جهان رو می گرده که به درمان پیدا کنه.

قبل از اینکه درمانی پیدا کنه باید ضربه رو بزنیم.



چرا ما؟ چرا از بین این همه ما سه تارو آوردی اینجا؟

سؤال درستیه. من خیلی وقته در مورد این مسئله فکر کردم. هر چی تعداد افراد این گروه بیشتر باشه شانس شکست خوردنش بیشتره. گروه باید کوچک باشه.



اروس تو
اولین کسی هستی
که انتخابش کردم.

خجالت می دی.
دلیلش چیه برادرزاده؟
بهم بگو.



تو برادر
ثانوس هستی و
تمام عمر از این
مسئله فرار کردی
و وانمود کردی چیز
دیگه ای هستی.

وانمود کردی
آدم بیخیالی هستی.
چون اگه خودت می بودی
باید با میراث و واقعیت
خودت روبرو می شدی.



من واقعا
کی ام تین؟

تو در اصل
یه قهرمانی. زمانی استارفاکس
و انتقام جو بودی. وقتشه
یه بار دیگه خودت باشی.



و تو نیویولا.
تو یکی از خطرناک ترین
زن های جهان هستی.
ولی این هیچوقت
برات کافی نبوده
مگه نه؟

انقدر علاقه
داری که همه ازت
وحشت داشته باشند که
خودت رو نوه ثانوس معرفی
کردی. همیشه خواستی
مهمتر باشی. همه ازت
وحشت کنند.



و ثانوس در
عوض با تو چیکار کرد؟
اون از نیاز تو سوء استفاده
کرد و بعد تو رو انداخت دور.
حالا تو چیزی نیستی
جز یه دزد خورده پا.



پففه! سخترانی
کن تین. ولی من یکی
خر نمی شم.

فکر کن.
تو نمی تونستی به
ثانوس ملحق بشی و باید
اونو شکست می دادی... فقط این
می تونه بهت
بزرگی بده.



تو چی "قهرمان
جهان"؟ تو خیلی ساکت
موندی؟ نقش تو تو این
داستان چیه؟

من...یه دینی
به این پسر دارم که باید
ادا کنم. تا همینجا پسه
اروس. من نمی خوام در
موردش حرف بزنم.



ولی گذشته از
همه اینها حق با تینه.
کشتن تایتان دیوانه،
خاتمه بخش حیات...می تونه
منو واقعا قهرمان
جهان کنه.



من شنیدم تو خودت کم
قدرت نداری. اگه ثانوس واقعا
ضعیف شده، چرا خودت
اونو نمی کشی؟

قدرت من مثل
قبل نیست. ولی این
داستان برای الان نیست.
من نمی تونم به
تنهایی با ثانوس
روبرو بشم.

من به همه
شما نیاز
دارم.



تو چی می گی؟ می خواهی
باقی عمرت رو از جایزه بگیرها
دزدی کنی؟

می خواهی تمام
عمرت رو به هرزه گردی
و خلاف تو جاهای پست
بگذرونی؟

یا اینکه
کار بزرگی انجام
بدی؟



فرض کنیم
تو این جنون به تو ملحق
بشیم. چطور قراره
ضربه بزنیم؟

راست می گی.
رویارییی مستقیم با ثانوس
حتی اگه ضعیف هم شده
باشه، خودکشیه.



هر دو شما
راست می کید. ولی
چیز دیگه ای هست که
بمش نیاز داریم. یه
چیزی که باید
دزدیده بشه...

...از
تراکس مخوف.

همزمان با نقشه هایی که این گروه برای مرگ ثانوس می کشند، او چیزی نموده تا نکاتی درباره سر نوشت خود بداند.



HRRM...

خسته شدم
از اینهمه صداهایی
که از خودت در میاری. چیزی
فهمیدی؟

تا حالا
همچین چیزی
ندیدم. سلولها بقدری با
سرعت از بین می رن
که تو هیچ بیماری
مشابهشو ندیدم.

بدنت در
سطح ملکولی داره خودشو
می خوره. باورم نمی شه با
ساختاری که بدن تو داره همچین
چیزی برات اتفاق بیفته.

مثل... مثل
اینه که خدای
سرطان باشه.

چقدر؟

چقدر زمان داری؟ با این سرعت پیشرفت
سلولهای سرطانی شاید چند هفته. این مقدار
رو هم با خوش بینی گفتم.

نه! منظورم
اینه که چقدر وقت
لازمه تا درمانی بر اش
کشف بشه؟

درمان؟ شوخیت گرفته؟
سالها یا شاید دهه ها طول بکشد تا بیولوژی بیماری بررسی بشه و عامل بیماری جدا بشه. سایت درمان که جای خود داره.

باید راهی باشه!

با گذر زمان شاید. ولی تو زمان نداری. تو داری می میری ثانوس. نمی تونی متوقفش کنی.



پس ثابت کردی که کاملاً مایه ناامیدی هستی استاد.

مایه ناامیدی؟! فکر کردی تمام این سالها چه حسی داشتم؟ فکر می کنی پدر یه هیولا بودن چه حسی داره؟ هر جانی که گرفتی من خودمو مسئولش می دونستم.

تو شاید پلید باشی ثانوس، ولی منشأ اون پلیدی منم. من مسئولم.



قبلاً آرزو می کردم که ایکاش تو رحم مادرت مرده بودی. ولی الان آرزو می کنم ایکاش خودم تو گهواره ات خفه ات کرده بودم. حداقل در اون صورت به دست خودم از بین می رفتی.

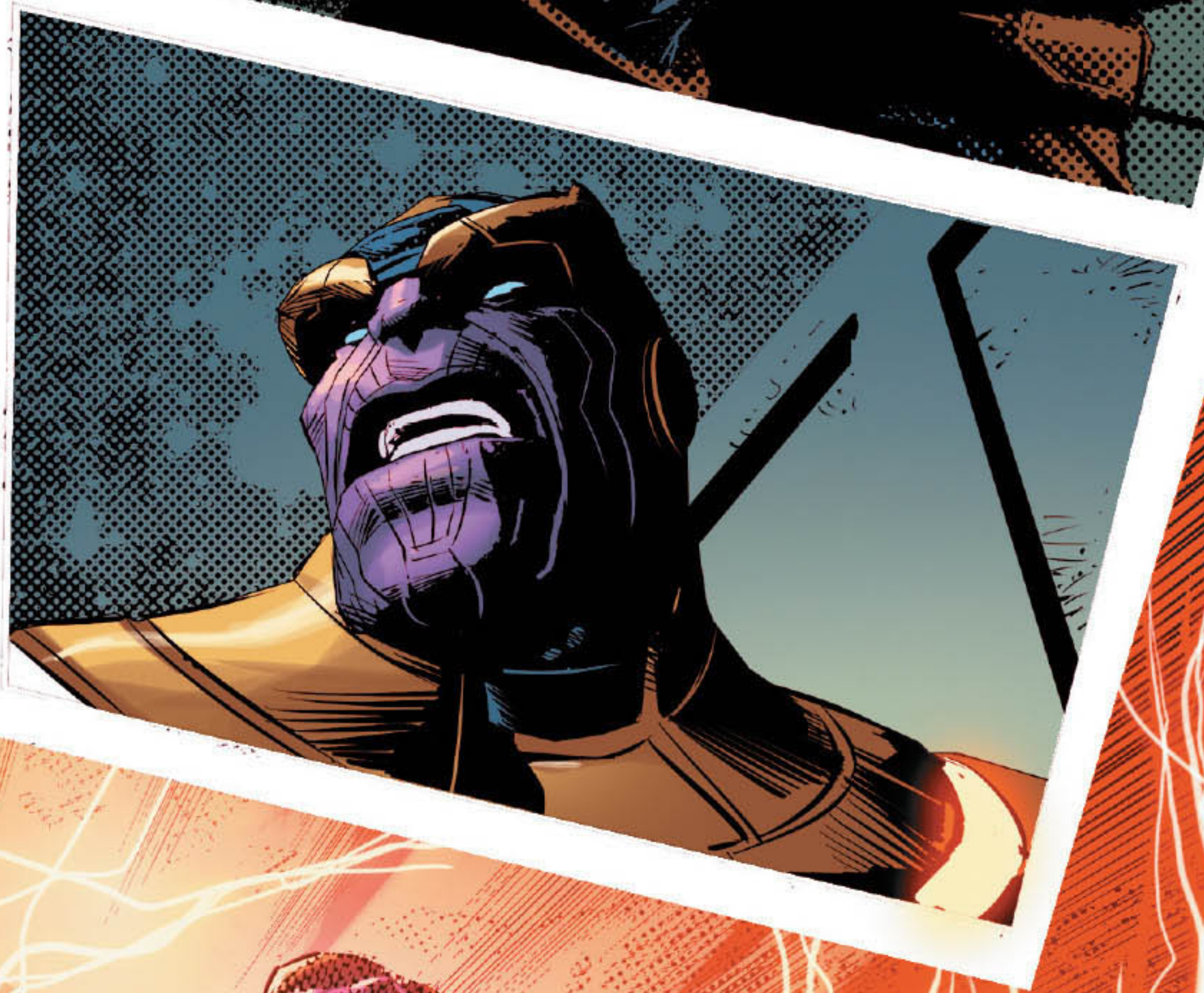
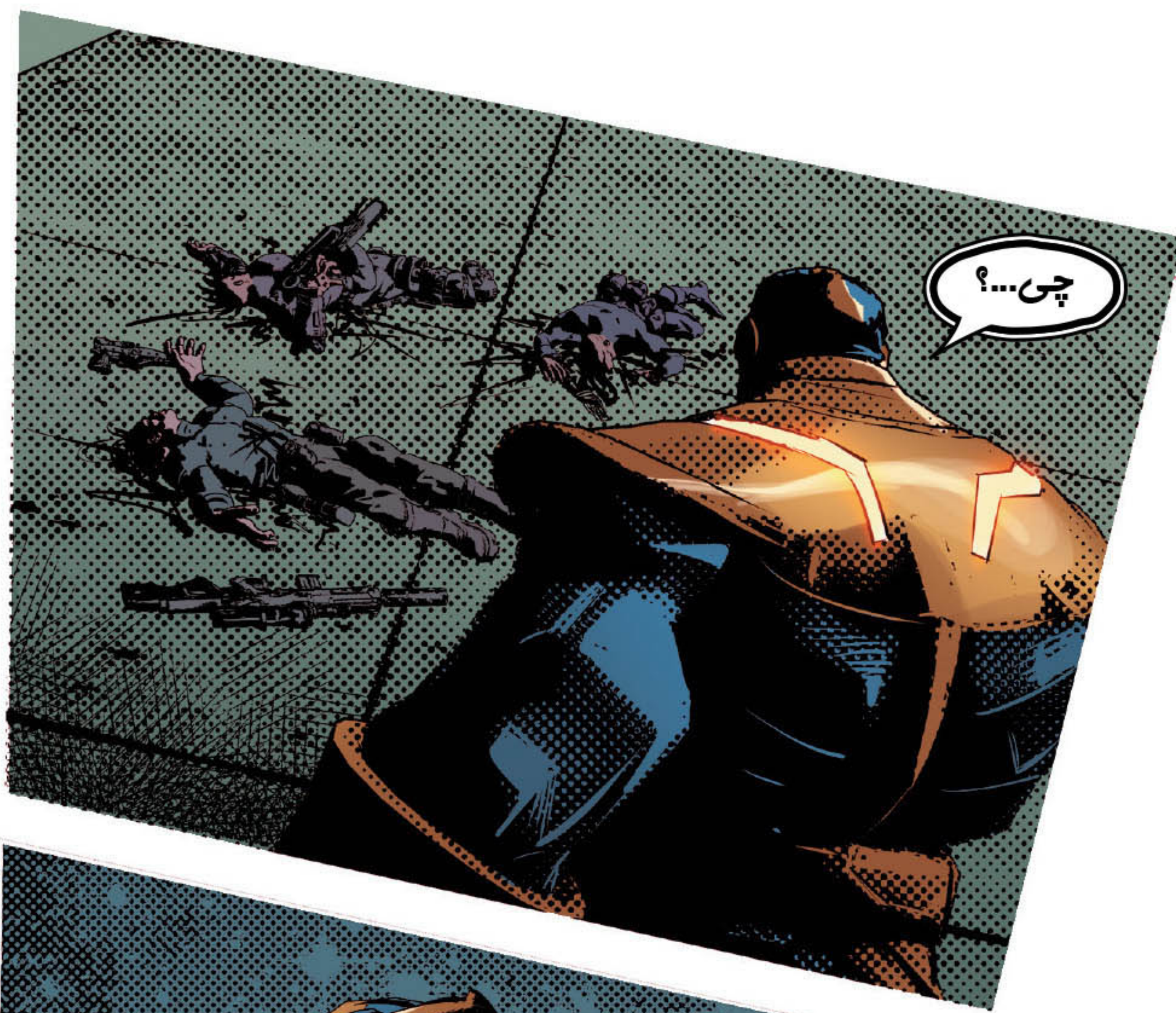
خوشحالم که داری می میری ثانوس. فقط آرزوم این بود که شاهد فساد و مرگت باشم.

می دونی، برای اولین بار تو زندگی بیخوده ات...

پدر من حرف زدنی...
مثل

KKT!





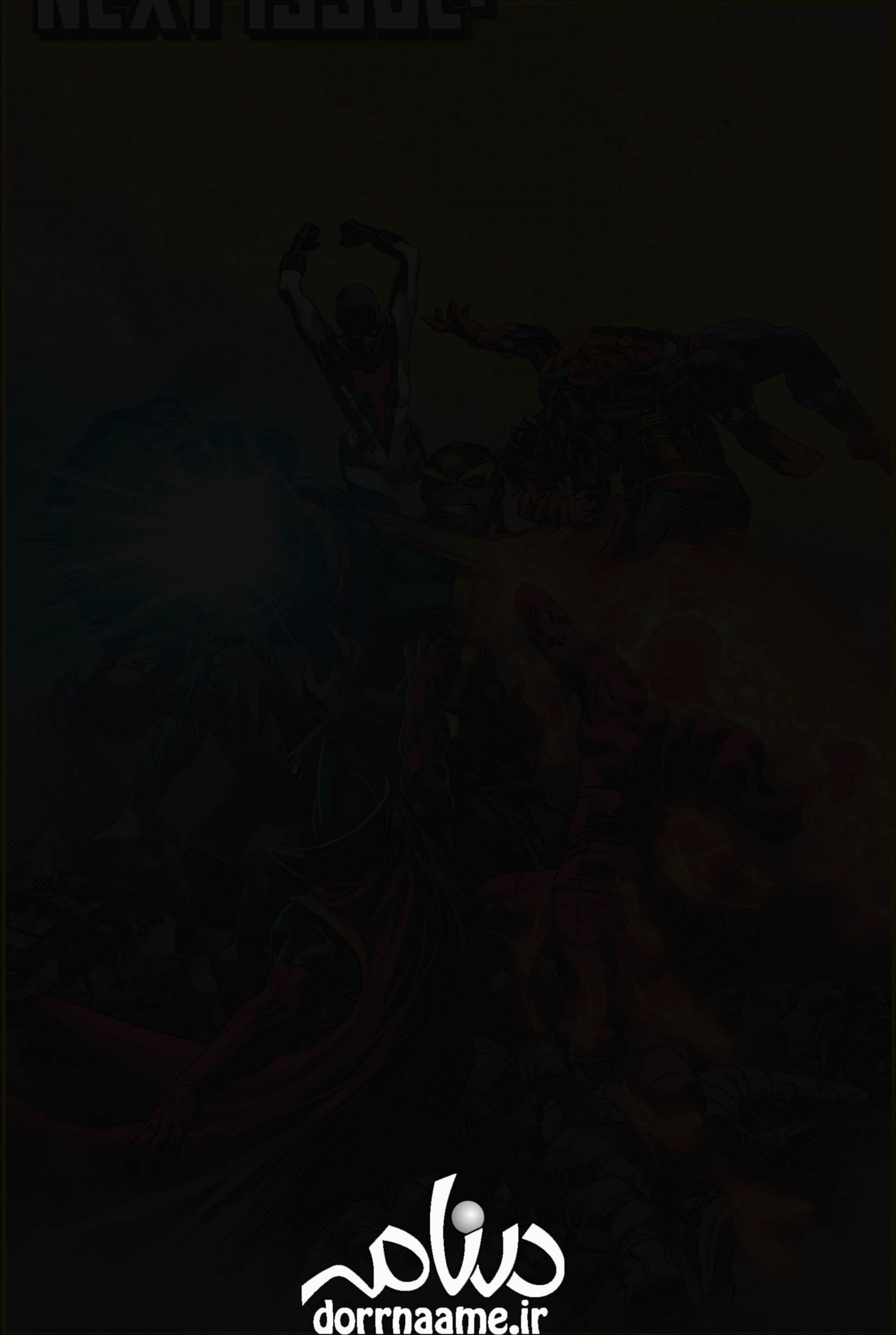


ثانوس از
تایتان. تو با حکم
گارد سلطنتی شیار
دستگیر می شی.

تسلیم
شو یا بمیر.

قسمت بعدی: امپراطور فربه می زند!

NEXT ISSUE:



دورنامه
dorrname.ir

مرجع کمیک های فارسی